

کراچی پرنسپل

بررسی  
جرائم شناختی  
 مهمترین  
 پرونده در  
 دادگستری  
 خوزستان

وزانی که در رفتار دارد، می نمایاند که در این چند سال در شهر بزرگ و مهمی چون اهواز موفق بوده است. به پای صحبت های او می نشینیم؛

تعالی حقوق: پرونده چگونه مفتوح شد؟

امیرخانی: اولین گزارشات به صورت شفاهی و از سوی مردم بود. متوجه شدیم عده ای وجوهی را از مردم اخذ می کنند مساله را در شورای تأمین استان مطرح کردیم. اواخر اردیبهشت ۱۳۸۴ که اولین گزارش از اداره آگاهی رسید و بعد از چند روز گزارش دیگری از اداره اطلاعات واصل شد منی بر این که شخصی به نام حسین الاماره به همراه چند نفر دیگر به عنوان این که کالای خانگی، سیم کارت و غیره تحول مردم می دهند از ایشان وجوهی دریافت می کنند. گزارش حاکی از آن بود که این افراد خودرو نیز ثبت نام می کنند و تمهد به تحويل آن ظرف میلیت ۳-۴ ماه می دهند.

بیشتر فعالیت های این افراد در حاشیه های شهر که حضور مأمورین به لحاظ جو

روزهای متعددی کار شبانه روزی بر روی پرونده می گویند. اینان با پیش از پازدید ماه کار سخت، پرونده را آماده می ارجاع به دادگاه نموده اند.

امیرخانی قریب به سه سال است که مسؤولیت خطیر دادستانی اهواز را بر عهده دارد. صدای آرام او

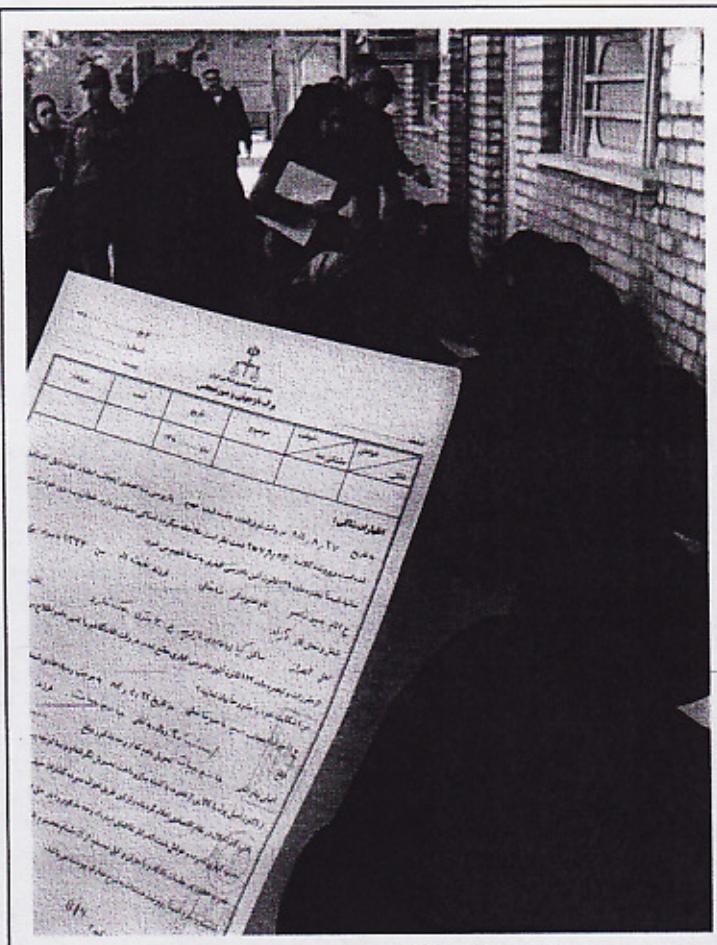


نمایانگر آرامش درونی اوست و سال ها تجربه ی قضایی در کنار صبر و تحمل و

وارد مرکز عملیات کارون که می شوی سکوتی سنگین بر تو حاکم می شود. سکوتی که نشان از آشوبی دارد که مدت زمانی که چندان دور بر آن جا حاکم بوده است. سکوتی که می دانی پایان و عاقبت کار نیست، بلکه آشوبی دوباره را به دنبال خواهد داشت. در این سکوت می توان صدای فریادها، همه مه و حتی زمزمه ی شاکیانی را شنید که چندی قبل برای دریافت تنها درصدی از مطالبات خود به صاف ایستاده بودند و کاغذهای کوچک و به ظاهر می ارزشی که دلالت بر طلبکاری ایشان داشت را در دست می فشردند تا نوبت به آن ها برسد. در این سکوت می توانی درخواست شاکیانی را بشنوی که ناکام از دریافت حتی بخش کوچکی از مطالبات خود، به امید فروش اموال و خودروهایی نشسته اند که زیر آفتاب رنگ می بازد، زیر باران زنگ می زند و پشت سدهای فاتون به انتظار ایستاده است.

این جا یک دادگستری است صرفاً با یک پرونده. پرونده ای که به تاحق نام مقدس «سداد» یا «سپیدها» را به دنبال می کشد، اما تنها نشان از «سالوس» دارد و بس. محل بایگانی این پرونده، بایگانی اجرای احکام یک مجتمع راتنایی می کند. از محتويات ابیوه کارتون هایی می برسم که روی هم اتیار شده اند. بازپرس پاسخ می دهد که پراست از پرونده شاکیانی که با دریافت مقداری از طلستان، پرونده را با رضایت در این دنیا، به امان اخروی رها کرده اند. چند تن از متهمن نیز به صاف ایستاده اند به راحتی و بی هیچ احساس گناهی سخن می گویند. یکی از آن ها جوانی ۲۳ ساله است که در مدت یک سال، سی میلیارد تومان از مردم دریافت کرده است. دیگری مردی چهل ساله ای است که در منزل مجردی اش در تهران دستگیر شده است. می گوید شش کلاس سواد دارد اما دادخانه در شمال شهر تهران اجاره کرده بود و برابر هر یک ماهیانه سی میلیون ریال اجاره می پرداخته است.

به پای صحبت های دادستان و قضاط پرونده نشیتم. ایرج امیرخانی (دادستان اهواز)، محمد رضا گیوکی (بازپرس شعبه نهم دادسرای عمومی اهواز) و علی فرهادی راد (بازپرس شعبه اول)، از



اعلایری کمتر است و همچنین خارج از وقت اداری صورت می‌گرفت. گزارش را به آقای گیوکی ارجاع دادم. هستوراتی توسط ایشان داده شد. متهمین احضار شدند. ما نمی‌دانستیم این فعالیت‌ها در چه گستره‌ای است و میزان وجوده رد و بدل شده چقدر است. اطلاعاتی از مردم، بانک‌ها و مسؤولین امور اقتصادی کسب کردیم. چند بار موضوع در جلسات معاونین قضایی استان مطرح شد. مکاتباتی با بانک مرکزی برای اخذ نظریه کارشناسی صورت گرفت. نظر رئیس کل سابق این بود که پرونده به لحاظ حجم گستره‌ی فعالیت به مجتمع ویژه اقتصادی تهران ارسال شود. نهایتاً لازم دیدیم به طور جدی وارد قضیه شویم. اطلاعیه‌هایی از طریق دادسرای دادگستری و مراجع دیگر مبنی بر غیر قانونی بودن این کارها و حرام بودن وجوده رد و بدل شده صادر شد. اما از آن جا که بیشتر فعالیت‌های متهمین شبانه بود و همچنین به علت مصادف شدن آن با اغتشاشات و بمب گذاری‌ها و همچنین تزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری، نتیجه‌ی خوبی نگرفتیم. از سوی دیگر تبلیغات متهمین و فعالیت گستره‌ی آنان موجب عدم موقوفیت شد. اکثر دفاتر نمایندگی ایشان را تعطیل کردیم. اما با تعطیل هر دفتر، چند شعبه دیگر باز می‌شد و متساقنه مردم نیز نه تنها با نیروهای انتظامی همکاری نمی‌کردند، بلکه در گیر نیز می‌شدند. مردم معتقد بودند ما از این فعالیت‌ها سود می‌بریم پس دلیلی ندارد که دولت وارد مسأله شود. نهایتاً با دخالت دادسرای این از متهمین دستگیر شدند و اعلام شکایات شروع شد. برای شناسایی مالباختگان فرم اطلاعاتی تنظیم شد و از طریق رسانه‌های محلی در دسترس مردم فرار گرفت.

اعلاوه بر من عده‌ای هم مخالفت کردند. زیرا معتقد بودم این امر باعث ایجاد انگیزه برای ارتکاب جرم می‌شود. نهایتاً با نظارت مستقیم دو بازیوس پرونده، بازپرداخت وجوده شروع شد. در هر روز حد تا پانصد نفر را پاسخگو بودیم پس از بازپرداخت اولیه، اطلاعیه‌ای صادر شد مبنی بر این که افرادی که از متهمین سود گرفته‌اند بهره‌های اخذ شده را مسترد نمایند. عده‌ای از مردم مراجعت کردند و از این طریق فریب به ۲۵ میلیارد تومان جمع آوری شد. وجوهی که مردم به متهمین داده بودند ۲۰ میلیارد تومان بود. از بانک‌ها هم کمک گرفتیم. پس از بازپرداخت‌ها و آماده شدن پرونده برای ارجاع به دادگاه فرم دیگری طراحی شد که در ماه گذشته در دسترس عموم فرار گرفت. در این فرم مردم به مقام قضایی و کالات می‌دهند تا دادستان بتواند با تعیین چند وکیل تخصصی برای مردم، از حضور گستره‌ی شکایات در دادگاه جلوگیری کند و به این ترتیب کار دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده تسهیل شود. در خصوص اموال منتقل و غیر منتقل نیز پیشنهاد شد که به فروش برسد و وجوده آن به مردم پرداخت شود که این امر در دست اقدام است.

تعالی حقوق: چه ویژگی‌هایی در آقایان گیوکی و فرهادی را دیدید که آنها را برای این پرونده انتخاب نمودید؟



علاءوه بر من عده‌ای هم مخالفت کردند. زیرا معتقد بودم این امر باعث ایجاد انگیزه برای ارتکاب جرم می‌شود. نهایتاً با نظارت مستقیم دو بازیوس پرونده، بازپرداخت وجوده شروع شد. در هر روز حد تا پانصد نفر را پاسخگو بودیم پس از بازپرداخت اولیه، اطلاعیه‌ای صادر شد مبنی بر این که افرادی که از متهمین سود گرفته‌اند بهره‌های اخذ شده را مسترد نمایند. عده‌ای از مردم مراجعت کردند و از این طریق فریب به ۲۵ میلیارد تومان جمع آوری شد. وجوهی که مردم به متهمین داده بودند ۲۰ میلیارد تومان بود. از بانک‌ها هم کمک گرفتیم. پس از بازپرداخت‌ها و آماده شدن پرونده برای ارجاع به دادگاه فرم دیگری طراحی شد که در ماه گذشته در دسترس عموم فرار گرفت. در این فرم مردم به مقام قضایی و کالات می‌دهند تا دادستان بتواند با تعیین چند وکیل تخصصی برای مردم، از حضور گستره‌ی شکایات در دادگاه جلوگیری کند و به این ترتیب کار دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده تسهیل شود. در خصوص اموال منتقل و غیر منتقل نیز پیشنهاد شد که به فروش برسد و وجوده آن به مردم پرداخت شود که این امر در دست اقدام است.

تعالی حقوق: چه ویژگی‌هایی در آقایان گیوکی و فرهادی را دیدید که آنها را برای این پرونده انتخاب نمودید؟



مطرح شد سرکرده متهمین شخصی به نام حسین الاماره اهل الاماره عراق بود و در این فعالیت با عنوان سید حسین موسوی حضور داشت. وی را احضار کرد و پس از تفہیم اتهام به زندان فرستادیم لازم به ذکر است که تا این مرحله شاکی خصوصی در پرونده حضور نداشت.

**تعالیٰ حقوق: از چه زمانی شکایت‌ها شروع شد؟**

**گیوکی:** باید اول پرسید چرا شاکی خصوصی در کار نبود. این گروه سدی از اعتماد درست کرده بودند که بر اساس آن وجوده را دریافت می‌کردند. مردم خوزستان زود اعتماد می‌کنند. این افراد در ابتدای کار به تعهد خود عمل کرده و اگر قول پرداخت سود اطرف مدت معینی می‌دادند با اتفاقی مدت خود را آماده پرداخت سود نشان داده اما به طرف مقابل پیشنهاد می‌کردند پول را مدت بیشتری نزد ایشان بگذارد تا مثلاً اطرف یک ماه دو برابر شود و معمولاً افراد با این پیشنهاد موافقت می‌کردند. این امر موجب می‌شد ورودی وجوه زیاد و خروجی آن کم باشد که نتیجه‌ی آن انباسته شدن وجوه بود.

بعد از آن یک سری عوامل، موجب شد کسی شکایت نکند. همچنین موقعیت حاسس آن زمان (انتخابات) ریاست جمهوری و بمب گذاری موجب شدن توافقی با این افراد برخورد شدید داشته باشیم. اما پس از پایان انتخابات، با دستور دادستان، مکان فعالیت شرکت‌ها بسته و حساب‌ها مسدود گردید. در بعد اطلاع رسانی، اطلاعیه دادستان، مصاحبه معاون دادستان، برگزاری میزگرد علمی در صدا و سیما و تدبیر تعدادی پلاکارد در سطح شهر از جمله اقدامات بود و این طریق غیر قانونی بود. فعالیت این افراد را متذکر شدیم، اما این اطلاع رسانی کارساز نبود. متناسبه اکثر سپرده گذاری ها مربوط به دو ماه آخر قبل از تشکیلات پرونده است. شاید بتوان گفت از آن جا که «الانسان حریص بما می‌ئن» بازداشت مردم اثر سو، داشت.

**تعالیٰ حقوق: یعنی این اطلاع رسانی موجب تمایل بیشتر مردم به سپردن وجوه خود شد؟**

**گیوکی:** مردم اقدام دادسرا را مخالف منافع خود می‌دانستند. تا این که

**امیرخانی: بازبرس های ما**

همگی خوب هستند اما قاطعیت و درایت آنها مورد توجه بود. علت دیگر این بود که آنها قبول کردند برای این پرونده وقت بگذارند. زیرا حضور شبانه روزی لازم بود و هر کسی این کار را قبول نمی‌کرد.

**تعالیٰ حقوق: شنیده ایم بیشتر وجهه در دو ماه آخر قبل از دستگیری متهمین رد و بدل شد. یعنی همان زمان که دادسرا اطلاع رسانی را شروع کرد، مردم بیشتر به این فعالیت کشیده شدند علت را در چه پیغیز می‌بینید؟**

**امیرخانی: بیشتر فیش‌ها** مربوط به دو ماه آخر بود. حضرت آیت الله جزايری در چند خطبه‌ی نماز جمعه به این مسئله پرداخت. اما تبلیغات متهمین وسیع تر بود و می‌گفتند دولت به این خاطر با فعالیت مخالف است که پول‌های مردم از بانک‌ها خارج می‌شود و مالیاتی نیز پرداخت نمی‌گردد. مردم نیز متأسفانه نتیجه‌دار وارد این مسئله شدند. مثلاً در خصوص شرکت‌های هرمی، اطلاع رسانی‌های خوبی شده است. اما متأسفانه هنوز هم فعالیت‌های زیرزمینی و مخفیانه وجود دارد و باید در این خصوص کارشناسی کرد.

**تعالیٰ حقوق: نقش ستاد بیشگیری و حفاظت اجتماعی را در زمینه جلوگیری از این جرایم چگونه می‌بینید؟**

**امیرخانی: افراد ستاد همه جای شهر حضور داشتند و اخبار خوبی به ما می‌رسانند. به موقع رسیدن اخبار نیز بسیار مهم بود. در ابتدای امر بحث بود که ستاد وارد قضیه شود. اما معتقدم در جارت و آین نامه ستاد چنین اختیاراتی وجود ندارد. محمد رضا گیوکی بازبرس جوانی است که دارای ۵ سال سابقه قضایی می‌باشد. از ابتدای خدمت در اهواز بوده و دارای تحصیلات حوزوی تا مقطع دروس خارج فقه و اصول است وی تسلط خوبی بر قانون دارد.**

**تعالیٰ حقوق: آقای گیوکی چگونه و چرا این پرونده به شما ارجاع شد؟**

پس از آن به علت گستردگی فعالیت‌ها، موضوع در شورای تامین استان

گزارشی رسید مبنی بر این که مبالغ هنگفتی در منزل یکی از متهمین است. چون حساب‌ها مسدود شده بود، متهمین وجود مردم را در منزل نگهداری می‌کردند. وقتی اینجانب به همراه معاون دادستان به محل رفتیم، احساس کردم وارد یک بانک شده‌ام. دستگاه‌های پول شمار متعدد کشف شد. مثل سالان بانک‌ها، باجه درست کرده بودند و پول هارادر گونی و کارتمن نگه داری می‌کردند. لازم به ذکر است این منزل در یک محله‌ی جرم خیز قرار داشت. وقتی دستور جمع اوری وجود و ضبط آن را دادم متعاقباً به ما اطلاع دادند که مردم از نقل و انتقال وجوده ممانعت کرده‌اند و خودرو و کانکس نیروی انتظامی را به آتش کشیده‌اند. وجود با استعداد از بانک ملی در یک روز جمعه شمارش شد که مبلغ آن بیش از سه میلیارد تومان بود. پس از آن با توجه به حساسیت منطقه، اشوبی ایجاد شد. جلسه شورای تامین تشکیل شد تا راهکارهایی برای مقابله با اشوب و جلوگیری از گسترش آن در نظر بگیریم. با این اقدامات متهم پرونده به اسم علی عیاشی که منزل وی بازرسی شده بود متواری گردید. مردم برای دریافت سود پول خود مراجعت کردند و با مشاهده این که وجهی موجود نیست نگران شدند. این جایود که سد اعتماد شکته شد و شکست سد اعتماد موجب شد خروجی وجود بیش از ورودی آن شود و چون این افراد پولی برای پرداخت نداشتند متواری شدند.

**تعالی حقوق: چند نفر از متهمین دستگیر شدند؟**

گیوکی: آماری از مالابتگان و متهمین نداشتبم. این افراد مثل قارچ رشد کرده بودند. برای دست یابی به یک آمار نسبی، فرم‌هایی در یکی از روزنامه‌های محلی چاپ کردیم تا مردم با تکمیل آن فرم ها اعلام کنند میزان مطالباتشان جقدر است؟ وجود خود را به چه کسی و چه ادرسی داده‌اند؟ در آن زمان به نظرم می‌رسید ۵-۶ هزار نفر شاکی موجود است. لذا یک صندوق پستی پیش بینی شد و از مردم خواستیم فرم‌های تکمیل شده را به صندوق پستی ارسال دارند. باز کردن نامه‌ها و تفليم آن کار طاقت فرسایی بود که از عهده دادگستری و نیروی انتظامی به

نهایی بر نمی‌آمد.

این افراد بر روی یک کاغذ کوچک، پاره و حتی به نام افرادی که موجود نبودند یا مرده بودند رسید می‌دادند. مثلاً همسر کسی که وجود خود را می‌سرد حامله بود و فرد با این امید که فرزندش بسراست با تکیه بر شناس او به نام او رسید می‌گرفت و بعدها مثلاً این طفل دختر از آب درآمده بود. با هماهنگی فرماندار وقت (صرامی) که در این زمینه با دستگاه قضایی تعامل خوبی داشت، آمارها را جمع اوری کردیم و معلوم شد تعداد مالابتگان ۱۷۷ هزار نفر است و متهمین حدود ۳۰ سرکرده تعالی حقوق: ارتباط سرکرده و زیر گروه چگونه بود؟

گیوکی: قبوض به نام یک نفر صادر می‌شد که نام «سید» داشت. افرادی به نام آن‌ها و تحت عنوان نماینده‌ی سرکرده، پول از مردم دریافت می‌کردند. در قبال وجودی که افراد زیر گروه جمع اوری می‌کردند ۳ یا ۴ درصد آن را به عنوان حق

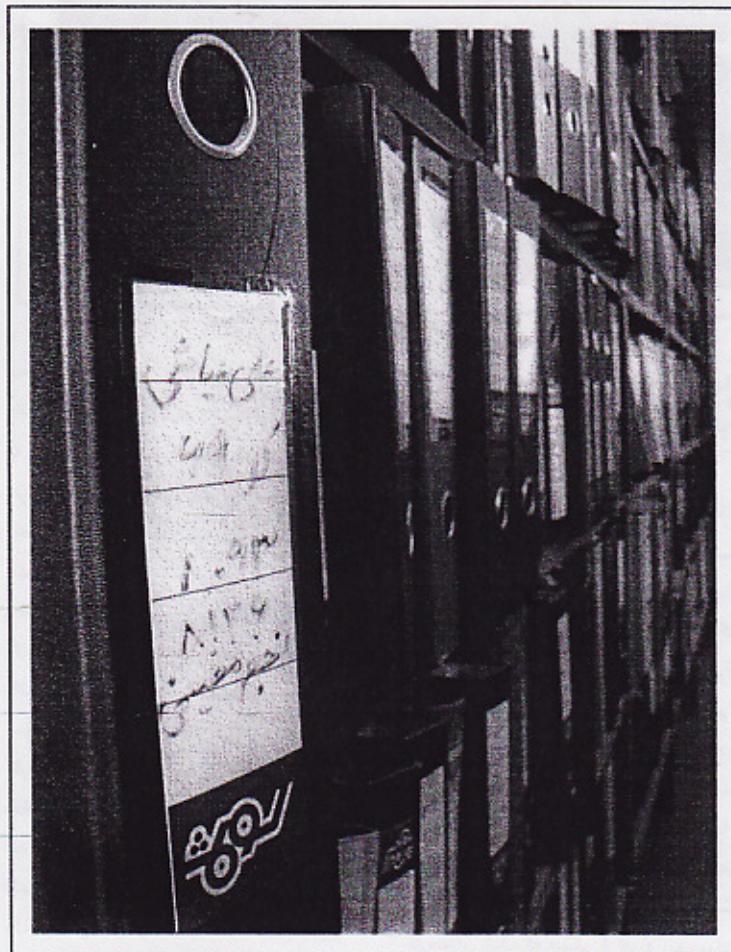
الزجمه بر می‌داشتند.

**تعالی حقوق: چرا متهمین لقب «سید» بر خود نهاده بودند؟**

گیوکی: ۸۰ تا ۸۵ درصد از سرکرده‌ها از عنوان «سید» استفاده می‌کردند و این امر برای سوء استفاده از عقاید مذهبی مردم بود. بیشتر متهمان اصلاً سید نبودند. کسانی هم که سید بودند اکثر دست نشانده‌ی افراد غیر سید بودند.

**تعالی حقوق: چگونه این همه شاکی و متهم را مورد بازجویی قرار دادید؟**

گیوکی: با توجه به حساسیت موضوع، رسیدگی به پرونده را از تشکیلات قضایی موجود جدا کردیم. و محل ویژه‌ای به نام مرکز «عملیات کارون» انتخاب کردیم. اکیپ ویژه‌ای مشکل از بنده و آقای فرهادی را در که عنوان بازپرس شعبه اول بود تشکیل شد. که با همکاری نهادهای ذیربط در خصوص متهمین، شکایت تبادل اطلاعات می‌کردند. تا ساعت ۳-۴ نیمه شب می‌ماندیم. کار شبانه روزی بود و بیش





متوجه می شدند.

#### تعالیٰ حقوق: موضوع اموال

داخل انبار و اتوکمبل های مستقر در پارکینگ چیست؟

**گیوکی:** بخش عظیمی از وجوده تبدیل به سود شده بود. بخش دیگر از سپرده گذاری ها سوخت شده است و اموال توسط متهمین حیف و میل شده است. متهمی با

دادیم، شمره بازپرداخت ماتسویه طلب حدود

۹۲ هزار نفر شاکی بود.

#### تعالیٰ حقوق: آیا کل طلب

هر شاکی را می پرداختید؟

**گیوکی:** پنجاه درصد طلب را دادیم اما لازم به ذکر است که عمدها طلب افراد بارها تمدید شده بود، و شاکی مبلغ طلب اصلی را با سود محاسبه می کرد.

از هشتصد نفر از متهمین را دستگیر کردیم.

#### تعالیٰ حقوق: نحوه بازپرداخت

وجوده به مردم چگونه بود؟

**گیوکی:** مطالبات مردم سیصد میلیارد تومان و میزان وجوده (حساب های مسدود شده و سایر وجوده کشف شده) سی میلیارد تومان بود که به طور کلی ۱۰ درصد مبلغ مطالبات مردمی بود، بنی قضاط در خصوص

#### تعالیٰ حقوق: آیا صحت دارد

برخی از رسیدهای پرداخت جعلی بوده است؟

**گیوکی:** ۲۰ روز به شکات

مهلت داده بودیم تا مدارک خود را ارسال کنند. از سوی دیگر نظریه این که ما مبالغ

کمتر را پرداخت می کردیم تقریباً امکان جعل وجود نداشت. چون جعل معمولاً برای

مبالغ سنگین صورت می گیرد. نکته مهم تو این که از کارمندان بانک استفاده می کردیم

که در تشخیص سند جعلی خبره بودند.

بعض آنها می شد که رنگی از فیش ها را

ارائه می دادند که قابل تشخیص بود با قیص

رسید از نظر مبلغ یا اسم جعل شده بود که

کارمندان بانک که همسکی از افراد زیبده بودند

نحوه پرداخت بول اختلاف نظر قضایی وجود داشت: برخی می گفتند بازپرداخت بول باید

با حکم دادگاه باشد و برخی معتقد بودند در مرحله دادسوانیز می توان رد مال کرد. اما

امہیت مساله موجب شد نظر دوم را اجرا کنیم و وارد بازپرداخت شویم. با جمع میزان

وجوده کشف شده، میزان مطالبات مردم، بازپرداخت را در حدودی که وجوده پاسخگو باشد انجام دادیم. با استمداد از بانک و

استقرار ۳۰ کارمند بانک در محل عملیات کارون کار را شروع کردیم. البته موضوع با

مقامات کشوری هم مطرح شد. و نتیجه این

شد که بازپرداخت را از وجوده کم و از مناطق

فقیرنشین و محروم شروع کنیم. وجوده هر

یک از متهمین را به شکات همان متهم

حدود سه میلیارد تومان در تهران دستگیر شد که این وجوده را در آشیخانه جا سازی کرده بود. انواع و اقسام لوازم ورزشی بدن سازی و حتی تخته بیلیارد نیز در منزل ایشان کشف شد. جالب این است که متهمین، بیشتر وجوده دریافتی را صرف عیش و نوش خود کرده بودند مثلاً یکی از متهمین منزلي را که ۲۰۰ میلیون تومان ارزش واقعی آن بود به بانصد میلیون تومان خریداری کرده بود که البته مبلغ از فروش شده منزل را به وی مسترد نمودیم. بخش دیگری از اموال به شکل وجه نقد بود که حدود سی میلیارد تومان کشف شد و بخش دیگری از وجوده هم تبدیل به اموال منقول و غیر منقول شده بود. بیش از ۱۲۰ دستگاه

هر شاکی را می پرداختید؟

**گیوکی:** پنجاه درصد طلب را دادیم اما لازم به ذکر است که عمدها طلب افراد بارها تمدید شده بود، و شاکی مبلغ طلب اصلی را با سود محاسبه می کرد.

**تعالیٰ حقوق: آیا صحت دارد**

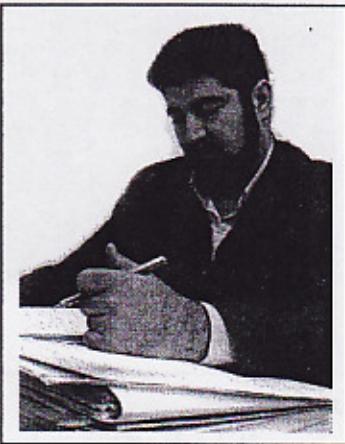
برخی از رسیدهای پرداخت جعلی بوده است؟

**گیوکی:** ۲۰ روز به شکات مهلت داده بودیم تا مدارک خود را ارسال کنند. از سوی دیگر نظریه این که ما مبالغ کمتر را پرداخت می کردیم تقریباً امکان جعل وجود نداشت. چون جعل معمولاً برای مبالغ سنگین صورت می گیرد. نکته مهم تو این که از کارمندان بانک استفاده می کردیم که در تشخیص سند جعلی خبره بودند.

بعض آنها می شد که رنگی از فیش ها را ارائه می دادند که قابل تشخیص بود با قیص رسید از نظر مبلغ یا اسم جعل شده بود که کارمندان بانک که همسکی از افراد زیبده بودند

خودرو ، تعداد قابل توجهی موتورسیکلت، دستگاه های کامپیوتری چندین باب منزل مسکونی و بیش از ۵ هزار متر زمین و غیره از اموال کشف و ضبط شده از متهمین بود.

**فرهادی راد بازپرس دیگر**  
این پرونده می باشد. بیش از ۵ سال تجربه ی قضایی دارد اهل اصفهان و دارای لیسانس حقوق و دانشجوی



کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی است.

**تعالی حقوق: آیا جرم ارتکابی در پرونده سادات قابل پیشگیری بود یا خیر؟**

**فرهادی راد:** در خصوص این پرونده اعتقاد دارم که موضوع قابل

پیشگیری بود اماز جنبه اطلاع رسانی بسیار دیر اقدام شد و از سوی دیگر مسؤولین اجرایی و متولیان امور اقتصادی بسیار دیر اطلاع رسانی کردند. اگر حسابت این موضوع بهتر بیان می شد، می توانستم تا حدی از ضایعات آن پیشگیری کنم، مردم خوزستان افرادی بی غل و عش هستند و در این پرونده از این واقعیت سوء استفاده شد.

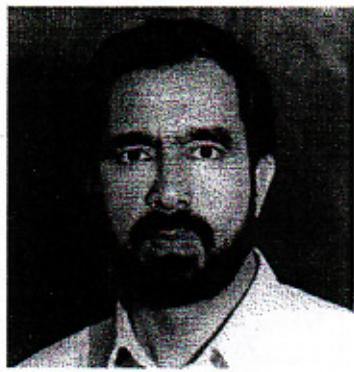
**تعالی حقوق: چه ویژگی هایی در متهمان این پرونده می بینید؟**

**فرهادی راد:** غیر از متهم اصلی (حسین الاماره) که با قصد قبلی این کار را انجام داده است، بقیه متهمان ذکاوت در حد بالای نداشتند و شاید حتی روی این قضیه فکر نیز نکرده بودند و به نوعی تحت شرایط قرار گرفته بودند. برخی متهمان فاقد سابقه کیفری بوده و حتی در محله ی خود به عنوان انسانی مشیت و خوب، شهره بوده اند. متهمان اصلی در درجه ی اول روی احساسات مذهبی مردم کار کردند و کسانی را به کار گرفتند که مورد اعتماد مردم باشند یکی از متهمان ما که حین دستگیری ۱۶ سال داشت، پنج میلیارد تومان از مردم دریافت کرده بود. در آن زمان موضوع بحث همه ی محافل مسأله ی سودهای بالایی بود که این افراد به مردم می دادند. آخرین مبلغی که متهم اصلی (عباشی) به عنوان سود می داد ۶۰ درصد مبلغ سهده در ۲۰

روز بود.  
**تعالی حقوق: چه تفاوتی بین فعالیت های شرکت های هرمی (گلدنکوئیست) و فعالیت این متهمان می بینید؟**  
**فرهادی راد:** تفاوت زیاد است. گلدنکوئیست روی افراد تحصیل کرده کار می کند و فعالیت با برنامه دارد. ذرا واقع یک شبکه ی منجم سراسری است که افراد باید در آن فعالیت کنند تا به سودی که چندان هم قابل توجه نیست، دست یابند. پیدا کردن زیر گروه و لزوم ایجاد توازن بین شاخه ها در گلدنکوئیست، فعالیت فرهنگی زیادی را می طلبد تا به نتیجه برسد. به عنوان مثال «الف» که با سیردن و جهی عضو گلدنکوئیست می شود، دارای دو ضلع راست و چپ است که باید آن را به صورت متوازن پیش ببرد. هر نفر دو نفر به عنوان زیر گروه پیدا می کند و اگر پنجاه نفر توسط «الف» عضو گیری شوند در صدی از وجه به «الف» می رسد. هر چه زیر گروه ها پایین تر برonden و درخت تنومدتر شود، سود بیشتری به «الف» می رسد. کسی در فعالیت گلدنکوئیست موفق می شود که کار فرهنگی کند و دیگران را منقاد کند که کار اقتصادی انجام دهند.



# تحلیل اجمالی پرونده «سیدها» از منظر جرم شناسی



عبدالرضا اصغری  
عضو هیات علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی



دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی  
استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سریع آن‌ها و ضابطان را به دنبال نداشته باشد. دشواری مطالعه‌ی این گونه جرایم که آثار زیان بار اجتماعی آن از بزهکاری خشونت بار بیشتر است، دقیقاً در همین نکته نهفته است. ضابطان و دستگاه قضایی، به لحاظ آموزش دانشگاهی و فرهنگ اجتماعی و سنت صنفی خود، معمولاً به بزهکاری نوع اخیر حساس تر و سریع العمل ترند، زیرا حل معمای جرایم خشونت آمیز و حل و فصل پلیسی-قضایی آن‌ها آسان تر است؛ پیگیری بزه دیدگان جرایم اخیر، دستگاه عدالت کیفری را بیشتر تحت فشار و پاسخگویی قرار می‌دهد؛ رسانه‌های گروهی و افکار عمومی نیز چنین پرونده‌هایی را با دقت و نظم پیشتری پیگیری می‌کنند و در نتیجه مقام‌های مسؤول را بیشتر به واکنش و پاسخگویی وامی دارند.

بدین سان تا اندازه‌ای جای شگفتی نیست که در پرونده «سیدها» که بیشتر در چارچوب بزهکاری «حیله گرانه» جای می‌گیرد، بزه دیدگان، ضابطان، و به طور کلی دستگاه عدالت کیفری، دیر هنگام از قضیه آگاه و نسبت به آن حساس شده و واکنش جدی نشان داده‌اند.

نوشтар حاضر بنا دارد که بر اساس «گزارش ویژه» شامل مطالب مطرح شده در مصاحبه دادستان و بازرسان شعبه‌های اول و نهم دادرسای اهواز درباره قضیه «سیدها»، این پرونده را که به لحاظ جنبه‌ی مالی-اقتصادی قابل توجه آن، بحران ساز بوده و هست، در دو بخش «ملاحظات عمومی جرم شناسانه» (الف) و «ملاحظات خاص جرم شناسانه» (ب) به طور گفرا از منظر جرم شناسی تحلیل کند.

الف: ملاحظات عمومی جرم شناسانه  
بنابر محتویات پرونده اتهامی، مبلغی بیش از سیصد

درآمد

اگر چه جرم شناسی موضوع مطالعه خود یعنی «جرائم» را از حقوق کیفری گرفته و به جرایم و علت شناسی آن می‌پردازد، لیکن بدین منظور از اصول و روش‌های خاص خود استفاده می‌کند. به عنوان مثال، اگر حقوقدان برای سهولت مطالعات خود، جرایم را بر اساس ارزش‌ها و مصالح اجتماعی موضوع جرم و مورد حمایت قانونگذار، به جرایم علیه اموال، اشخاص، اسایش و امنیت عمومی و غیره تقسیم می‌کنند، در مقابل جرم شناسان، بزهکاری را بر مبنای معیارهای جنس، سن، تابعیت بزهکاران، آلت ارتکاب جرم و غیره به ترتیب به بزهکاری مردان و زنان، بزرگسالان و اطفال، بومیان و بیگانگان، خشونت آمیز و نیرنگ آمیز و غیره دسته بندی کرده و سپس وزنگی‌ها و علل ارتکاب آن‌ها را به منظور ارائه راهکارهای بالینی، پیشگیرانه و اصلاحی خاص هر یک مطالعه می‌کنند.

در جرایم خشونت آمیز، مرتكب نوعاً از زور و قدرت جسمانی یا آلت مادی دیگری مانند اسلحه‌ی گرم یا سرد که دارای آثار ملموس رویت پذیر برای بزه دیده و دیگران از جمله ضابطان قضایی، است استفاده می‌کند. ناگفته بپدا است که چنین جرایمی، به لحاظ ایجاد آثار ناگوار و نیز نامنی بالقوه در سطح جامعه، واکنش مردمی و دولتی سریعی را به دنبال دارد و بنابراین رقم سیاه و پیش‌پنهان آن کمتر است. در عوض، مرتكبان جرایم نیرنگ آمیز- مثلاً جرایم مالی- اقتصادی- به تدبیر، هوش، حیله‌(تقلب) و نیز روان شناسی بزه دیدگان بالقوه که نوعاً جنبه‌ی مادی، مشهود و ملموس ندارد متولّ می‌شوند. بنابراین طبیعی است که اگر جرایم متقلباتی و نیرنگ آمیز از رقم سیاه بالایی برخوردار باشد و موج نگرانی و احساس نامنی در سطح بزه دیدگان و جامعه ایجاد نکند و واکنش

میلیارد تومان برای مدتی (حدود سه سال)، خارج از نهادهای بانکی- اعتباری و بنابراین خارج از نظرات مقام های رسمی، در دست عده ای که واتمود می کردند کارهای بانک گونه، بازرگانی و اقتصادی انجام می دهند و قادرند سودی تا ۶۰٪ به شاکیان پردازند، در گوشه بوده است. صرفنظر از این که اعمال آنان مشمول وصفه های مجرمانه در قوانین کیفری موجود و به ویژه قانون مجازات اخلاق گران در نظام اقتصادی کشور می شود یا خیر، در عمل موجب اخلاق در نظام اقتصادی به گونه ای شده که آثار زیان بار آن در ابتدا ناملعوس بوده ولی با گذشت زمان خود را نشان خواهد داد و همچنین نمادهای حاکمیت را نیز به چالش می کشاند.

بزه دیدگان (شاکیان) با اقدام خود، یعنی سپرده گذاری، در اقع، بانک ها و موسسات اعتباری و مالی رسمی را به عبارتی دور زده و برای کسب درآمد یا تکمیل درآمد ماهیانه خود و یا حتی در مواردی برای سودجویی محض، به اشخاص متولی شده و اعتماد کرده اند که از نظر شغلی، هویت و تضمین های اجتماعی متعارف را نداشته اند. این اشخاص مدعی اشتغال به فعالیت های سود آوری بوده اند که در هیچ مرجع رسمی ثبت نشده و به هر حال فاقد مجوز بوده است. سپرده گذاران (بزه دیدگان) به شیوه سنتی معمول در یک قرن پیش در ایران که هنوز بانک و مؤسسات اعتباری مدرن تأسیس نشده بوده اند عمل کرده اند و به امید کسب درآمدی قابل توجه، اما بدون تلاش و کار، به اشخاص حقیقی قادر پیشینه حرفة ای اعتماد نموده اند.

ایا این اقدام را باید دلیلی بر عدم اعتماد مردم، در امر سرمایه گذاری، به نهادهای رسمی که نماد حاکمیت هستند تلقی کرد؟ یا باید آن را دلیل فقر و یا بین بودن قدرت خرید مردمی دانست که این روزها برای امارات معاش یا تأمین آینده فرزندان خود، بدون اندیشه در پیامد اعمال خود، هر شیوه ای را که سودآور یا درآمد زا تشخیص دهن، تجربه و آزمون می کنند؟ یا این که باید آن را گرایش به مادی گرایی افراطی در فرهنگ جامعه ای که مسؤولان آن، همواره معمویات را در خطابه ها و سخنرانی های خود آموزش داده و ترویج می کنند، تعییر کرد؟ ایا بدین ترتیب، نمادهای موقوفات اجتماعی برای مردم عموماً در مادیات و مظاهر گوتانگون آن معنای نموده اند؟

ایا جامعه امروزی ما به زمین بازی نمی ماند که در آن مسابقه دستیابی به هدف های مادی، بدون آن که ممه بازیگران انگیزه مند در رسیدن به هدف ها، از وسائل و امکانات مسروط یکسانی برخوردار باشند، در جریان است؟

بدین ترتیب، مبالغ قابل توجهی بول و میزان بالایی کالا، بدون این که ناشی از فعالیت های شفاف باشد و بدون آن که منجر به اشتغال زایی، تولید و پرداخت مالیات و عوارض (یعنی درآمدی برای دولت) شود، برای مدتی دست بدست می شده است. در حالی که متفعمن این مبالغ، عمدتاً متهمن، همزمان از یارانه های متنوع دولتی و خدمات عمومی نیز استفاده می کرده اند. متهمن چنین اقدام هایی که حاکی از زیر زمینی شدن فعالیت های اقتصادی نیز هست در اقع نظام اقتصادی کشور (یعنی چرخه تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات) را به تدریج فقیر و ناخواسته با چالش رو به رو کرده اند.

افزون بر ملاحظات عمومی که به لحاظ ضيق وقت در قالب طرح پرسش های کلی مطرح شد، پرونده «سیدهها» ملاحظات خاص جرم شناسانه را تیزی می طلبد.

### تب: ملاحظات خاص جرم شناسه

۱- نمی توان گفت بزه دیدگان (شاکیان) تا اندازه زیادی

در بزه دیدگی خود نقش و سهم داشته اند، زیرا به طور ضمنی می توانستند حدس بزنند که اولاً کسب چنین سودهای بالایی (تا ۶۰٪) به جزء از طریق فعالیت های مشکوک و نامشروع ممکن نمی شود و ثانیاً پرداخت آن نمی تواند پایدار باشد؛ متهمن (گیرندگان بول) هیچ گونه دلیل و تضمین رسمي در مورد نوع فعالیت خود و پیشنهایی آن که تا این اندازه سود ده باشد به سپرده گذاران اراه نکرده بودند، معدله آزمندی مالی و طمع کسب سود سرشار، سهل الوصول و بدون مالیات...، دوراندیشی و احتیاط متعارف آنان را مخدوش کرده و گویی خود تا اندازه ای اگاهانه به استقبال بزه دیدگی خود رفته و دست به ریسک اصطلاحاً پنجاه پنجاه زده اند؟

۲- متهمن و شاکیان، هر در روی هم رفته از یک محله،

از یک قشر و طبقه و از یک فرهنگ قومی هستند:

۱- در شهرکی خارج از هر گونه برنامه ریزی عمومی،

به صورت خودجوش و قارچ گونه با تجمع عده ای بی سر پناه و مهاجر به وجود آمده است، نمادهای کامل حاکمیت و خدمات عمومی (مدرسه، شهرداری، درمانگاه، کالاتری، برق، آب، گاز...، یا وجود ندارد یا حضوری کمتر داشته و بدین سان از فضای فرهنگی حاکم بر محله های قدیمی اهواز جدا افتاده است؛ فرهنگ و فضای خاص حاکم بر این شهرک ها، ساکنان را نسبت به قید و بندها و مظاهر فرهنگ اصلی بیگانه کرده است. شاید به همین جهت است که سپرده گذاران، به هنگام مداخله ی شاید دیرهنگام مقام های پلیسی- قضایی که در واقع برای حمایت از آنان و نجات سپرده هایشان صورت گرفته است، مقاومت کرده، همچنان به دنبال «سیدهها» میروند و کماکان به وعده های آنان در پرداخت سودهای تجویی امیدوارند، به طوری که به جای اعتماد به اقدام های پلیس و دادرسا که نمادهای حاکمیت نظام شمرده می شود، از آنان دفاع نیز می کنند، این تلقی و موضع گیری بدینانه نسبت به نمادهای حکومتی، خود قابل تأمل و بررسی است.

۲- اهانی این محل روی هم رفته از نظر مالی ضعیف و

بیکار هستند، هویت اجتماعی مشخصی، که داشتن شغل یکی از مؤلفه های آن محسوب می شود، ندارند. با این که در استان و شهر «زور خیزی» چون خوزستان و اهواز زندگی می کنند فقیرند و فقیرانه زندگی بل تنازع بقا می کنند. به فقر مادی آن ها باید فقر فرهنگی را نیز افزود. در این شرایط است که مردم، از نظر ذهنی، خود را شهروند عادی و ذی نفع در احترام به هنجارهای حاکم تلقی نمی کنند. گویی نوعی احساس خلاه هنجاری و عدم پای بندی به مقررات و نهادهای رسمی (آنومی) بر آنان حاکم است. اصولاً حومه ها و شهرک هایی که در حاشیه شهرهای بزرگ شکل گرفته است به وسائل و نمادهای رسمی کنترل جرم و انحراف یا اعتقادی ندارند یا وجود آن ها را احساس نمی کنند و به جای آن به ساز و کارهای کنترلی خود جوش که حکایت از شکل گیری خرده فرهنگ دارد

متول می شوند. در همین چارچوب، ملاحظه می شود که مرتكبان با معرفی خود به نام «سیده»، از اعتنایات مذهبی برای ارتکاب اعمال خود، استفاده می کند. بنابراین می توان گفت که بزه دیدگان و متهمان هر دو از آسیب ها و مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روی هم رفته یکسانی رنج می برند.

بدین ترتیب، متهمان پرونده «سیدهها» هرگز نمی توانستند اقدامات نامشروع و به هر حال غیر مجاز خود را در محله های قدیمی و «جا افتاده» شهر که ساکنان آن ها نسبت به بدکیگر شناخت عمیق و در هر حال بیشتری دارند و عموماً پیرو فرهنگ عمومی حاکم بر شهر هستند، انجام دهند.

آسیزه دیدگان پرونده از نظر گمی بسیار زیاد و بیش از ۱۷۷ هزار نفر احصاء شده اند، اما از نظر خسارت دیدگی، چه با بعضی از آنل مبلغ کمی را سپرده گذاری کرده و بنابراین خسارت اندکی را متحمل شده باشند، ولی در مقابل تعداد متهمان شناسایی شده روی هم رفته (۱۰۰۰ نفر) است، اما سود نامشروع کلانی که بدون فعالیت مفید به ویژه برای سر شاخه ها و رهبر آنان - حاصل شده قابل توجه است. بدین ترتیب، به لحاظ زیاد و پراکنده بودن بزه دیدگان، هزینه های بزه دیدگی - خسارت دیدگی در واقع میان آنان تقسیم و سرشکن شده و بنابراین شدت آن تعديل گردیده است. لیکن بزه کاران به لحاظ کم بودن تعدادشان، سود نامشروع کلانی را کسب کرده اند. واکنش دیر هنگام بزه دیدگان، از یک سو به لحاظ عدم احساس حجم و شدت بزه دیدگی و از سوی دیگر، به جهت بی بودن دیر هنگام به بزه دیدگه واقع شدن آنان است.

۴- واکنش دیر هنگام بزه دیدگان، به نوبه خود موجب عدم پاسخ، انفعال و پاسخ دیر هنگام مقام های ذیرپط تیز شده است. راهبرد اتخاذی مقام های پلیسی - قضایی در اتهاماتی (جرایمی) که

### نتیجه گیری

اتهامات پرونده «سیدهها» که مشابه آن در سال های اخیر در سایر استان نیز دیده شده است، در حقیقت مشکلات ساختاری جامعه مارا در ابعاد مختلف آن اشکار می کند. بدین ترتیب است که مشکلات اقتصادی، در کشوری که به لحاظ درآمدهای نفتی - گازی جزو کشورهای تروتمند جهان به شمار می آید، از یک سو و مسائل اجتماعی - مدیریتی، در سرمیانی که از نظر فرهنگی و نیروی انسانی تحصیل کرده، تُخیه و مجرب نیز غنی است را از سوی دیگر، می توان، به عنوان عوامل کلان، در علت شناسی اتهامات (جرائم ارتکابی) از نزدیک مطالعه کرد. جرایم مالی - اقتصادی که «مقاصد اقتصادی» نام گرفته و نه تنها بخش عمومی بلکه بخش خصوصی را نیز شامل می شود ذاتاً ثبات و امنیت عمومی جامعه و به ویژه امنیت اقتصادی و امنیت حقوقی شهروندان را به تدریج در معرض خطر قرار می دهد. در چنین شرایطی، به جای تقویت روزادخانه کیفری و گسترش روز افزون قلمرو مداخله نظام کیفری و امید به کارایی مطلق آن، بهتر است اصلاحات سیاسی و اقتصادی، به موازات هم در اولویت قرار داده شود.

قانونگذار در سال ۱۳۷۵ ریا جرم انگاری نمود و هر دو طرف این رابطه (ربا گیرنده و ربادهندۀ) را به عنوان بزه کار، مستحق واکنش کیفری اعلام کرد (ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی). آیا مبارزه کیفری با این پدیده نامشروع که قیچ صریح دینی آن نیز از دیرباز وجود داشته، توانسته است، در بستر اقتصادی ای که با مسائل ساختاری رو به رو است، مؤثر واقع شود؟

اعمالی که در نظام اقتصادی اخلاق ایجاد می کنند، آثار سیاسی - اجتماعی فraigیری دارند که به لحاظ نامشهود و ناملموس بودن آن کمتر مورد توجه قرار می گیرند. جرایم اقتصادی و مالی، بنیان جامعه را به تدریج فرو پاشیده و با بحران جدی رو به رو می سازد، به همین جهت، به راهکارهای بنیادی در زمینه های مختلف نیاز دارد.

برخورد کیفری با متهمان پرونده سیدهها باید در چارچوب تضمین های حقوقی (قضایی) پیش بینی شده برای آنان و نیز با توجه به شخصیت، پیشینه (تحصیلی)، اجتماعی، انگیزه و سهم هر یک از آنان در اتهامات وارد، انجام شود، ولی آنچه مهم تر می نماید، کالبد گشایی جرم شناختی بروندۀ، با مطالعه کل آن است. از این رهگذر است که می توان به آسیب های اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و نیز خلاه های تقیینی، قضایی و پلیسی موجود است که «بحران سیدهها» را به وجود آورده است، بی بردا: به هر حال صرف مجازات حتی شدید بزه کاران، برای کاهش فعالیت های نامشروع از جمله جرایم اقتصادی در مفهوم موضع آن، کافی نیست.